

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

A Comparative Reading of Children's Economic Rights
in the Legal Systems of Iran, the United States, and
International Instruments

Author: Mahdi Mollaei

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248242.3775>

خوانش تطبیقی حقوق اقتصادی کودکان

در نظام حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی

نویسنده: مهدی ملائی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248242.3775>

Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



A Comparative Reading of Children's Economic Rights in the Legal Systems of Iran, the United States, and International Instruments

Mahdi Mollaei • Assistant Professor, Department of Economics and Accounting, Faculty of
Industrial Engineering and Management, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran.
mahdi.mollaie@shahroodut.ac.ir

Abstract

Context & Objective: Children's economic rights are a critical dimension of human rights, requiring focused legal protection across various jurisdictions and international frameworks. This article explores and compares the legislative approaches toward children's economic rights in Iran, the United States of America, and relevant international instruments. The review addresses the scope and comprehensiveness of these rights, examining whether current legal frameworks sufficiently protect children's economic welfare. The research aims to identify strengths, weaknesses, and areas requiring legislative enhancement.

Method & Approach: The study adopts a comparative and doctrinal approach, systematically analyzing and contrasting the legislation and relevant instruments concerning children's economic rights in Iran, the United States, and international frameworks. Key legal documents reviewed include Iranian legislation such as the Law on the Protection of Children and Adolescents and the Labor Law, U.S. legislation including the Child Protection and Prevention of Child Abuse Act and social security laws, and international instruments like the Convention on the Rights of the Child.

Findings: The analysis reveals that in Iran, children's economic rights are recognized through specific legal provisions prohibiting child labor, mandating maintenance (*Nafaqah*), and providing protections for working children. In contrast, the United States offers broader legislative coverage through multiple statutes addressing child protection, welfare, health insurance, adoption



assistance, and labor regulations. International instruments, especially the Convention on the Rights of the Child, provide a comprehensive, rights-based framework emphasizing survival, development, education, and protection against economic exploitation. However, each jurisdiction faces challenges including legislative gaps, enforcement inefficiencies, poverty, and discrimination.

Conclusion: Although differences exist among the studied jurisdictions, all recognize the critical importance of safeguarding children's economic welfare. However, to enhance protection, particularly within the Iranian legal context, the article recommends adopting additional legislative measures and strengthening enforcement mechanisms. Addressing these issues is vital to ensure the comprehensive protection and realization of children's economic rights across jurisdictions.

Keywords: Children's Economic Rights, Convention on the Rights of the Child, Economic Exploitation, Human Rights.



خوانش تطبیقی حقوق اقتصادی کودکان در نظام حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی

مهدي ملائي • استادیار، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.
mahdi.mollaie@shahroodut.ac.ir

چکیده

حقوق اقتصادی کودکان یکی مهم‌ترین ابعاد حمایت‌های حقوق بشری برای کودکان است که در نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با رویکرد تطبیقی و روش توصیفی تحلیلی، حقوق اقتصادی کودکان را در نظام حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی بررسی می‌کند. در این راستا، پرسش‌های اساسی بدین گونه مطرح می‌شوند؛ گستره حقوق اقتصادی کودکان در ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی چگونه است و آیا این حقوق از جامعیت و ضمانت اجرای کافی برخوردار است؟ در ایران، برخی قوانین مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون کار، بخشی از حقوق اقتصادی کودکان را در زمینه‌هایی چون ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه، حمایت از کودکان کار و تأمین اجتماعی تضمین می‌کند. در آمریکا، چارچوب‌های قانونی گسترده‌تری شامل قانون حمایت از کودک و پیشگیری از کودک‌آزاری، قوانین تأمین اجتماعی، قانون حمایت از فرزندخواندگی، برنامه بیمه سلامت کودکان و قوانین مرتبط با حداقل سن کار وجود دارد که حمایت‌های مالی و رفاهی متنوعی را برای کودکان فراهم می‌آورد. اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک نیز، با تأکید بر منافع عالیه کودک، حق بقا، رشد، آموزش، امنیت اجتماعی و ممنوعیت بهره‌کشی اقتصادی، چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان ارائه می‌دهد. علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری، هر سه نظام بر ضرورت تأمین نیازهای اقتصادی و رفاهی کودکان تأکید دارند، اما چالش‌هایی مانند نقص قوانین و اجرای ناقص آن، تبعیض و فقر کماکان وجود دارد. این جستار با تحلیل تطبیقی، پیشنهاد الحاق مواد تکمیلی، به‌منظور بهبود حمایت‌های حقوقی از حقوق اقتصادی کودکان در ایران را نیز ارائه داده است.

واژگان کلیدی: حقوق اقتصادی کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، بهره‌کشی اقتصادی، حقوق بشر.



مقدمه

در سال‌های اخیر جهان شاهد افزایش درک از رابطه بین فقر و حقوق بشر، گسترش آگاهی از جایگاه کودکان به‌عنوان دارندگان حق و افزایش پیوند بین حقوق بشر و فقر کودکان در زمینه توسعه بوده است. این تحولات که با نگرانی‌های فزاینده در مورد تأثیرات جهانی‌سازی اقتصادی بر کودکان تشدید شده، به‌طور قابل پیش‌بینی توجه آکادمیک و عملی متخصصان را به حقوقی از کودکان معطوف کرده است که به‌طور مستقیم به تضمین بقا و نیازهای رشدی کودکان می‌پردازد و به حقوق اقتصادی کودکان معروف شده است. کودکان به‌عنوان گروهی آسیب‌پذیر و دارای نیازهای ویژه، از جمله مهم‌ترین مخاطبان حقوق بشر و نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی هستند. حقوق اقتصادی کودکان بخش اساسی از حقوق آنان به شمار می‌رود که تضمین‌کننده تأمین نیازهای مادی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی آن‌هاست و نقش مهمی در رشد و توسعه متوازن آنان ایفا می‌کند. مطالعه تطبیقی این نظام‌ها، علاوه بر نشان دادن نقاط اشتراک و تمایز، زمینه‌ساز ارتقای سیاست‌ها و قوانین داخلی در جهت تحقق بهتر حقوق اقتصادی کودکان است. در این راستا، این پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود که گستره حقوق اقتصادی کودکان در ایران و آمریکا چیست؟ آیا این حقوق از جامعیت و ضمانت اجرای کافی برخوردار است؟ در نظام حقوقی ایران، با توجه به قوانین موضوعه و اسناد بالادستی، حمایت‌هایی در زمینه ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه، بیمه سلامت و حمایت از کودکان کار پیش‌بینی شده است. در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با مجموعه‌ای گسترده‌تر از قوانین فدرال و ایالتی از جمله قانون حمایت از کودک و پیشگیری و درمان کودک‌آزاری^۱، قوانین مرتبط با تأمین اجتماعی^۲ و برنامه بیمه سلامت کودکان^۳، چهارچوب‌های متنوعی برای حمایت اقتصادی کودکان فراهم کرده است. همچنین، اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک^۴ با تأکید بر منافع عالیه کودک، حق بقا، رشد، آموزش و امنیت اجتماعی، مبنایی مشترک برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند. از نظر پیشنهادی، تحقیق تا جایی که نگارنده تفحص کرده، در خصوص حقوق اقتصادی کودکان

1. CAPTA
2. Social Security Act
3. CHIP
4. CRC

در ایران، مطالعات جامع و مانعی انجام نشده است. هاشمی و همتی (۱۳۹۰) در پژوهشی، مبانی نظری و موازین بین‌المللی حقوق رفاهی کودکان را تحلیل کرده‌اند. محمدی و میرابی (۱۴۰۰) در مطالعه خود چنین نتیجه گرفته‌اند که تحقق حقوق اقتصادی کودکان در گروهی تأمین سایر حقوق آن‌هاست. در ایران، پژوهش‌ها عمدتاً بر مباحثی مانند وضعیت کودکان کار (پورمحمد گلزاری نوبر و همکاران، ۱۴۰۲)، نابرابری‌های اقتصادی (طوسی‌ان و همکاران، ۱۴۰۰)، تأمین نفقه (فیروزکاه، ۱۴۰۲)، بیمه سلامت (فیروزپور، ۱۴۰۰) و تغذیه کودکان (توسلی نایینی و بهزادفر، ۱۳۹۹) متمرکز بوده‌اند. در آمریکا، تاریخچه حمایت از حقوق اقتصادی کودکان به دوران انقلاب صنعتی بازمی‌گردد که با تصویب قوانین محدودکننده کار کودکان و توسعه برنامه‌های حمایتی مانند قانون حمایت از کودک و پیشگیری و درمان کودک‌آزاری، قوانین مرتبط با تأمین اجتماعی و برنامه بیمه سلامت کودکان، چهارچوب‌های گسترده‌ای برای حمایت مالی و رفاهی کودکان شکل گرفته است. پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا در حمایت از حقوق اقتصادی کودکان اهداف مشترکی دارند، اما تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اجرایی و چالش‌های قابل توجهی وجود دارد که نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین و سیاست‌هاست. تبیین جامع مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در ایران و مطالعه تطبیقی با نظام حقوقی آمریکا، از نوآوری‌های مقاله حاضر است.

۱. روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. در روش توصیفی، شرایط و روابط موجود به‌گونه‌ای دقیق و منظم توصیف و تفسیر می‌شود تا وضعیت کنونی پدیده مورد مطالعه مشخص شود. در این راستا، ابتدا وضعیت حقوق اقتصادی کودکان در نظام حقوقی ایران تشریح می‌شود. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیلی، داده‌های گردآوری‌شده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. تحلیل محتوا به منظور شناسایی الگوها و ساختارهای موجود در داده‌ها به کار می‌رود و به‌گونه‌ای انجام می‌شود که قابلیت تکرار و نظام‌مندی داشته باشد. درنهایت، با استناد به اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که استفاده از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری را مجاز می‌داند، یافته‌های حاصل از نظام حقوقی ایران با دستاوردهای نظام حقوقی آمریکا تطبیق داده و نتایج تطبیقی استخراج می‌شود. این رویکرد تطبیقی امکان بهره‌مندی از تجارب بین‌المللی را فراهم

می‌سازد و به غنای تحلیل کمک می‌کند.

۲. تحلیل حقوق اقتصادی کودکان در نظام حقوقی ایران

حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در ایران شامل ممنوعیت کار کودک زیر ۱۵ سال، حمایت از کودکان کار، تضمین حق تحصیل و رفاه، تأمین نفقه و حمایت ویژه از کودکان بی‌سرپرست و آسیب‌پذیر است. این حمایت‌ها در قوانین موضوعه، اسناد بالادستی و تعهدات بین‌المللی ایران تصریح و برای متخلفان، ضمانت اجرای کیفری و اداری پیش‌بینی شده است. مهم‌ترین پرونده‌های قضایی در ایران با موضوع حقوق اقتصادی کودکان عمدتاً به این موارد مربوط می‌شوند: پرونده بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در فضای مجازی، پرونده‌های مربوط به کار کودکان، پرونده‌های سوءاستفاده اقتصادی والدین از کودکان، پرونده‌های مرتبط با ترک تحصیل و عدم حمایت اقتصادی و پرونده‌های مربوط به جرائم علیه اموال کودکان. این پرونده‌ها در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان مطرح و با استناد به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون کار پیگیری می‌شوند. این پرونده‌ها نشان‌دهنده چالش‌های حقوقی و اجتماعی در زمینه حمایت از حقوق اقتصادی کودکان در ایران است و بر ضرورت بهبود آموزش، تقویت نظارت قانونی و همکاری بین دستگاه‌های قضایی، انتظامی و حمایتی تأکید دارد. در ایران، بخشی از حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در مجموعه‌ای از قوانین اساسی و عادی و اسناد حمایتی داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین این قوانین و مقررات عبارت‌اند از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، کنوانسیون حقوق کودک، قانون کار، قانون مدنی و سند ملی حقوق کودک و نوجوان. طبق قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست و قانون حمایت خانواده، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و تأمین معیشت و رفاه آن‌ها از طریق نهادهای حمایتی مانند بهزیستی پیش‌بینی شده است. سند ملی حقوق کودک و نوجوان بر حق تربیت اقتصادی، آشنایی با قوانین و مهارت‌های اقتصادی و حمایت از کودکان در برابر فقر، کار کودک و آسیب‌های اقتصادی تأکید دارد. ایران با الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، متعهد به رعایت حقوق اقتصادی، رفاهی، سلامت، آموزش و حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و هرگونه کار زیان‌بار شده است. با وجود این، برخی از مقررات مذکور به خوبی تضمین نشده است (شعبان، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۹).

۱.۲. حق مالکیت مادی و معنوی

کودکان در ایران هم از حقوق مالکیت مادی (مانند دارایی، ارث و نفقه) و هم از حقوق مالکیت معنوی (مانند آثار فکری، هنری و علمی) برخوردارند. این حقوق توسط والدین یا قیم تا رسیدن به سن قانونی مدیریت می‌شود و قانون برای حمایت و تضمین این حقوق، مقررات ویژه‌ای وضع کرده است. کودک از زمان انعقاد نطفه، از حقوق مالی برخوردار است و مالکیت وی مشروط بر این است که زنده متولد شود و حق تصرف وی در اموال و حقوق مالی خود مشروط به اهلیت قانونی است (حمداللهی و پورسید، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۵). مصادیق حق مالکیت مادی کودکان در ایران به این شرح است. الف. مالکیت اموال و دارایی‌ها: کودکان از بدو تولد، طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، دارای اهلیت تمتع هستند و می‌توانند مالک اموال منقول و غیرمنقول مانند زمین، خانه، حساب بانکی، سهام و سایر دارایی‌ها شوند. ب. انتقال سند به نام کودک: انتقال سند ملک یا سایر دارایی‌ها به نام کودک قانونی است. با اینکه کودک تا سن ۱۸ سالگی (سن قانونی) اهلیت استیفا ندارد و نمی‌تواند شخصاً در معاملات شرکت کند، اما والدین یا قیم او می‌توانند به نمایندگی از او اقدام کنند. ج. دریافت ارث و وصیت: کودکان حق دریافت ارث از والدین و بستگان را دارند و می‌توانند ذی‌نفع وصیت‌نامه باشند. مصادیق حق مالکیت معنوی کودکان به این شرح است. الف. مالکیت آثار فکری و هنری: کودکان می‌توانند صاحب آثار ادبی، هنری، علمی و اختراعات باشند. طبق ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و قانون ثبت اختراعات (مصوب ۱۳۴۸)، هر فردی که اثری را از راه دانش، هنر یا ابتکار پدید می‌آورد، صرف‌نظر از سن، «پدیدآورنده» محسوب می‌شود. بنابراین، کودکان نیز اگر اثری اصیل خلق کنند، مشمول حمایت این قانون هستند و آثار فکری و هنری کودکان تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد و حقوق مادی و معنوی آن متعلق به خود کودک است. ب. حق ثبت اختراع، تألیف یا اکتشاف: طبق مواد ۴ و ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۸۶)، اگر کودک اثری علمی، هنری یا اختراعی خلق کند، حق ثبت و بهره‌برداری مادی و معنوی آن برای او محفوظ است و می‌تواند از حقوق ناشی از آن بهره‌مند شود. ج. حق نسبت دادن اثر به کودک: طبق ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و قانون ثبت اختراعات (مصوب ۱۳۴۸)، حتی اگر کودک هنوز به سن قانونی نرسیده باشد، نام او باید به‌عنوان صاحب اثر ذکر شود و هیچ‌کس حق ندارد بدون اجازه، اثر او را به نام خود منتشر کند. د. حمایت از شخصیت و شهرت: بر اساس ماده

فوق، حقوق معنوی شامل حمایت از شخصیت، شهرت و اعتبار کودک در ارتباط با آثار فکری و هنری اوست. حقوق فوق به رسمیت شناخته شده، اما به‌خوبی تضمین نشده است و اکثر مردم و جامعه کودکان از آن آگاهی ندارند.

۲.۲. حق انعقاد قرارداد

بر اساس ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی، معاملات و اعمال حقوقی صغیر (کودک) باطل است مگر اعمالی که صرفاً به نفع او باشد. در حقوق ایران، اصل بر عدم اهلیت کودکان برای انعقاد قرارداد است، اما استثنایها و مصادیقی وجود دارد که کودک می‌تواند به‌طور مستقیم یا با دخالت نماینده قانونی (ولی، قیم یا سرپرست) طرف قرارداد قرار گیرد. مهم‌ترین مصادیق حق انعقاد قرارداد کودکان در ایران عبارت‌اند از الف. انعقاد قرارداد توسط نماینده قانونی، ولی یا قیم: کودک (صغیر) به دلیل نداشتن اهلیت استیفا نمی‌تواند شخصاً قرارداد منعقد کند، اما ولی (پدر یا جد پدری) یا قیم می‌تواند به نمایندگی از او، قراردادهایی مانند خرید و فروش اموال، اجاره، افتتاح حساب بانکی، سرمایه‌گذاری، بیمه و... را منعقد کند. ب. انعقاد قرارداد توسط کودک بالغ و رشید: بر اساس تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری است. پس از رسیدن به سن بلوغ، کودک از نظر مدنی بالغ محسوب می‌شود و می‌تواند مانند بزرگسالان اعمال حقوقی و قراردادهای را انجام دهد؛ البته اعمال حقوقی مهم (مانند معاملات بزرگ) نیازمند اثبات رشد است یا باید توسط ولی طفل تنفیذ شود. ج. قرارداد کار برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال: طبق ماده ۸۰ قانون کار، افراد ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توانند با رعایت شرایط خاص (آزمایش پزشکی، محدودیت ساعت کار، منع کارهای سخت و زیان‌آور) قرارداد کار منعقد کنند، اما به‌کارگیری افراد زیر ۱۵ سال مطلقاً ممنوع است و قرارداد آنان باطل تلقی می‌شود. درآمد کودکان متعلق به خود آنهاست و در صورت سوءاستفاده والدین یا دیگران، حق جبران خسارت برای کودک به رسمیت شناخته شده است. د. قراردادهای مربوط به فرزندخواندگی و سرپرستی: قراردادهای و توافقات مربوط به سرپرستی یا فرزندخواندگی کودک، با حضور و امضای نماینده قانونی (ولی یا قیم یا سرپرست) و تأیید مراجع ذیصلاح منعقد می‌شود و کودک شخصاً طرف قرارداد نیست، اما حقوق و منافع او در قرارداد لحاظ می‌شود. و. قراردادهای صرفاً به نفع کودک: اکثر حقوق‌دانان معتقدند کودک می‌تواند اموالی را از طریق هبه یا وصیت قبول کند حتی اگر صغیر باشد؛ زیرا این اعمال

صرفاً به نفع کودک است و نیاز به اهلیت استیفا ندارد (امامی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص. ۴۷۲)، اما به نظر می‌رسد جهت پیشگیری از سوءاستفاده احتمالی از کودکان، بهتر است این دسته از معاملات نیز غیرنافذ باشد و ولی کودک آن را تنفیذ کند.

۳.۲. حق نفقه

طبق قانون مدنی، تأمین هزینه‌های لازم و متعارف کودک و نوجوان از طریق حلال بر عهده ولی یا سرپرست قانونی اوست. در صورتی که وی دارای تمکن مالی باشد، ولی قهری می‌تواند با رعایت مصلحت او، هزینه‌های مزبور را از اموال وی اخذ کند و دولت باید اقدامات قانونی و حمایتی مؤثر در خصوص التزام والدین یا سرپرست قانونی او به ایفای این تعهدات را اتخاذ کند. در مواردی که کودک یا نوجوان و مسئول تأمین هزینه‌های وی فاقد تمکن مالی باشند، دولت موظف به حمایت از آنان است. مصادیق حق نفقه کودکان در ایران طبق ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی و رویه قضایی شامل این موارد است. الف. خوراک: تأمین غذای کافی و مناسب برای رفع نیازهای جسمی و رشد کودک، ب. پوشاک: تهیه لباس متناسب با فصل، سن و شأن اجتماعی کودک، ج. مسکن: فراهم کردن محل سکونت مناسب و ایمن برای کودک، د. اثاث‌البيت: تهیه وسایل ضروری زندگی مانند تخت، فرش، لوازم بهداشتی و سایر ملزومات منزل، و. هزینه‌های بهداشت و درمان: پرداخت هزینه‌های درمانی، دارو و مراقبت‌های پزشکی متعارف، ز. هزینه آموزش: تأمین مخارج تحصیل، لوازم التحریر، شهریه و سایر هزینه‌های مرتبط با آموزش و پرورش کودک، ح. هزینه رفت‌وآمد: پرداخت هزینه‌های حمل‌ونقل متعارف برای رفت‌وآمد به مدرسه یا مراکز درمانی و ط. سایر نیازهای متعارف: هر هزینه متعارف و ضروری دیگر که با توجه به عرف، شأن خانوادگی و نیازهای کودک لازم باشد مانند هزینه تفریح، ورزش یا مهارت‌آموزی. این مصادیق محدود به موارد فوق نیست و دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط زندگی و نیازهای کودک، موارد دیگری را نیز به‌عنوان نفقه تعیین کند. نفقه فرزند مشروع بر عهده پدر است و در صورت فوت یا ناتوانی پدر، به‌ترتیب بر عهده اجداد پدری، مادر و سپس سایر اقارب واجب‌النفقة قرار می‌گیرد. نفقه فرزندخوانده قانونی نیز مانند فرزند مشروع بر عهده سرپرست است، اما فرزند نامشروع حق نفقه ندارد مگر با اثبات نسب توسط دادگاه. به‌رغم اینکه حق مسکن مناسب و ایمن از مصادیق مهم حقوق اقتصادی کودکان است، اما متأسفانه برخی والدین برای تنبیه کودکان، آن‌ها را از منزل

اخراج می‌کنند که تبعات زیادی برای کودک دارد و جرم‌انگاری نشده است.

۴.۲. حق آموزش اقتصادی

حق آموزش اقتصادی کودکان در اصول ۳ و ۳۰ قانون اساسی ایران، اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران، کنوانسیون حقوق کودک و پژوهش‌های مرتبط با تربیت اقتصادی کودکان مورد تأکید قرار گرفته و هدف آن‌ها، ارتقای سواد مالی، عدالت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اقتصادی در آینده کودکان است. طبق ماده ۹ سند ملی حقوق کودک و نوجوان (مصوب ۱۴۰۰)، کودک و نوجوان از حق تربیت اقتصادی از قبیل آشنایی با قوانین و احکام شرعی، تقویت روحیه احسان و انفاق به نیازمندان، فراگیری الگوی مصرف، حرفه‌آموزی متناسب با سن، جنسیت و سایر شرایط خود برخوردار است. مصادیق حق آموزش اقتصادی کودکان در ایران شامل این موارد است. تربیت اقتصادی در برنامه درسی رسمی، آموزش مفاهیم اخلاقی اقتصادی، استفاده از روش‌های فعال و بازی‌محور، آشنایی با مهارت‌های مالی زندگی، تأکید بر عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر، آموزش پیشگیری از کار کودک و حمایت از حق تحصیل. خانواده و مدرسه به‌عنوان دو نهاد اصلی در جامعه، هر دو مسئولیت دارند که کودکان را با مفاهیم اقتصادی آشنا و محیطی مناسب برای یادگیری فراهم کنند. حق آموزش اقتصادی کودکان در ایران از نظارت و ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و این امر تبعاتی را برای آینده کودک به دنبال دارد.

۵.۲. حق تأمین اجتماعی

طبق ماده ۹ سند ملی حقوق کودک و نوجوان، کودک و نوجوان از حق تأمین اجتماعی برخوردارند. دولت موظف است امکانات و شرایط لازم را برای تأمین این حق فراهم کند. طبق ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، وزارت‌های کار و بهداشت موظف به پوشش بیمه‌ای و مراقبت پزشکی کودکان کار هستند. مصادیق حق تأمین اجتماعی کودکان در ایران شامل این موارد است. الف. بیمه سلامت و درمان کودکان: کودکان تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و خدمات درمانی و بهداشتی رایگان یا با هزینه کم دریافت می‌کنند. ثبت‌نام نوزادان در بیمه تأمین اجتماعی تا یک ماه پس از تولد امکان‌پذیر است. ب. حق اولاد (کمک عائله‌مندی): طبق ماده ۸۶ قانون تأمین اجتماعی، فرزندان بیمه‌شدگان تحت پوشش، تا سن ۱۸ سال یا تا پایان تحصیل (در شرایط خاص تا ۲۵ سالگی) مشمول دریافت حق اولاد هستند. این کمک‌هزینه برای پوشش

بخشی از هزینه‌های اقتصادی کودکان پرداخت می‌شود. ج. حمایت از کودکان تحت سرپرستی: کودکان فرزندخوانده یا تحت سرپرستی بیمه‌شدگان نیز مشمول مزایای تأمین اجتماعی می‌شوند؛ به شرط ثبت رسمی در شناسنامه یا اعلام مراجع قانونی. د. حمایت‌های مالی و رفاهی شامل کمک‌های نقدی، خدمات اجتماعی و حمایت از خانواده‌های دارای کودک برای کاهش فقر و آسیب‌های اقتصادی. حقوق مذکور از نظارت و ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و در عمل نوجوانان شاغل ۱۵ تا ۱۸ سال فاقد تأمین اجتماعی هستند.

۶.۲. حق کار

اشتغال کودک قبل از رسیدن به سن قانونی کار ممنوع است. نوجوان پس از رسیدن به سن قانونی کار متناسب با سن، جنسیت و توانایی با اذن ولی و سرپرست قانونی، از حق اشتغال برخوردار است. اشتغال او در هرگونه کار خطرناک یا کاری که از تحصیل وی ممانعت کند یا مضر به سلامتی یا رشد جسمی یا روانی او باشد، ممنوع است و باید از شرایط کار مناسب و دریافت دستمزد عادلانه برخوردار باشد (عباسی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۸۶). بر اساس ماده ۷۹ قانون کار، به‌کارگیری افراد زیر ۱۵ سال ممنوع و تخلف از آن مشمول مجازات است. افراد ۱۵ تا ۱۸ سال کارگر نوجوان محسوب می‌شوند و کار آن‌ها باید با شرایط ویژه از جمله آزمایش پزشکی و محدودیت ساعت کار انجام گیرد؛ البته کار در کارگاه‌های خانوادگی که کارفرما همسر یا بستگان درجه یک باشد، مشمول قانون کار نیست و حداقل سن کار در این موارد رعایت نمی‌شود. ماده ۱۷۶ قانون فوق، مجازات نقدی و حبس را برای کارفرمایانی که مقررات کار کودک را نقض کنند، پیش‌بینی کرده است. طبق ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹)، هرگونه بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان اعم از به‌کارگیری غیرقانونی یا وادار کردن به کارهای مضر یا خطرناک، جرم تلقی و علاوه بر مجازات قانون کار، مرتکب به حبس درجه شش محکوم می‌شود. بر اساس بندهای ح و ژ ماده ۳ قانون فوق، بهره‌کشی اقتصادی از کودک از مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز شناخته شده است و همه دستگاه‌های دولتی را ملزم به مداخله فوری می‌کند. بر اساس الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع بدترین اشکال کار کودک، کارهایی که به سلامت جسمانی و اخلاقی کودک آسیب می‌رساند، ممنوع است و قانون‌گذار مصادیق آن را با مشورت سازمان‌های کارفرمایی و کارگری تعیین می‌کند.

۷.۲. حق جبران خسارات کودک

طبق مواد ۲۵ تا ۲۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصادره اموال حاصل از جرم علیه کودکان و تقدم جبران خسارت کودک بر سایر مطالبات پیش‌بینی شده است. کودکان به دلیل عدم اهلیت استیفا نمی‌توانند شخصاً دعوی جبران خسارت را مطرح کنند و این حق باید توسط ولی یا قیم آن‌ها پیگیری شود. مصادیق حق جبران خسارت کودکان در ایران شامل این موارد است. الف. جبران خسارت ناشی از اعمال کودک: طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹)، اگر کودک (صغیر) به دیگری خسارت وارد کند، مسئولیت جبران آن اصولاً بر عهده سرپرست قانونی (ولی، قیم یا والدین) است. سرپرست باید خسارت را جبران کند مگر اینکه ثابت شود در نگهداری کودک کوتاهی نکرده است. ب. مسئولیت سرپرست در صورت کوتاهی: اگر سرپرست در مراقبت از کودک کوتاهی کند و این کوتاهی موجب خسارت به شخص ثالث شود، مسئول جبران خسارت است و باید خسارت را بپردازد. در صورت ناتوانی مالی سرپرست، جبران خسارت از اموال خود کودک انجام می‌شود. ج. مسئولیت کودک در صورت عدم کوتاهی سرپرست: اگر سرپرست کوتاهی نکرده باشد، خود کودک ضامن خسارت وارده است و باید جبران کند. د. جبران خسارات مادی و معنوی: خسارات شامل آسیب‌های جسمانی، هزینه‌های درمان، آسیب‌های روانی و معنوی، از دست دادن فرصت تحصیل و کارآموزی، هزینه‌های حقوقی، مسکن و رفت‌وآمد می‌شود. هـ. مسئولیت کیفری و مدنی کودک: در جرائم جانی، عاقله (خویشاوندان مسئول مالی) مسئول پرداخت دیه هستند، اما در جرائم مالی که کودک موجب خسارت به مال دیگری شده، خود کودک مسئول جبران است و ولی او باید پرداخت را انجام دهد. در مواردی که بزهکار قادر به پرداخت خسارت نباشد، دولت، بیمه یا صندوق‌های خاص موظف به جبران خسارت کودک زیان‌دیده هستند. این مصادیق نشان‌دهنده چهارچوب قانونی حمایت از کودکان در برابر خسارات وارده و نیز مسئولیت جبران خسارت ناشی از اعمال کودکان در حقوق ایران است.

تحلیل قوانین ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی و برخی نظام‌های حقوقی پیشرو حاکی است که برخی مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قوانین ایران به‌طور صریح یا کامل ذکر نشده‌اند. این حقوق عبارت‌اند از الف. حق حمایت اقتصادی مستقیم دولت از کودکان محروم (مانند پرداخت کمک‌هزینه نقدی یا یارانه ویژه کودکان): در قوانین ایران برخلاف برخی کشورها، مکانیزم‌های شفاف و مستقلى برای پرداخت مستقیم کمک‌هزینه‌های نقدی به کودکان یا

خانواده‌های کم‌درآمد با هدف کاهش فقر کودکان وجود ندارد و بیشتر حمایت‌ها به صورت کلی و غیرهدفمند است. ب. حق دسترسی رایگان و همگانی به آموزش پیش‌دبستانی و خدمات مراقبت روزانه: آموزش ابتدایی رایگان در قانون اساسی ایران ذکر شده، اما بر پوشش کامل و رایگان آموزش پیش‌دبستانی و خدمات مراقبت روزانه کودکان به عنوان حق اقتصادی مستقل تصریح نشده است. ج. حق حمایت جامع از کودکان دارای معلولیت در حوزه اقتصادی: قوانین ایران مقررات خاص و جامعی برای تأمین مالی، آموزش رایگان و خدمات حمایتی ویژه کودکان دارای نیازهای ویژه و معلولیت مشابه آنچه در قوانین آمریکا^۱ دیده می‌شود، پیش‌بینی نکرده‌اند. د. فقدان ممنوعیت صریح و جامع بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در همه اشکال آن: در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به بهره‌کشی اقتصادی اشاره شده، اما تعریف دقیق و جامعی از همه اشکال بهره‌کشی اقتصادی (مانند اجاره کودک، معامله کودک، کار خانگی پنهان و ازدواج اجباری در ازای پول) و ضمانت اجرای کافی وجود ندارد. این خلأ مورد انتقاد فعالان حقوق کودک است. ه. فقدان حمایت اقتصادی از کودکان بی‌سرپرست و در معرض آسیب برای استقلال اقتصادی پس از سن بلوغ: قوانین ایران فاقد برنامه‌های ساختارمند برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست پس از خروج از مراکز نگهداری و ورود به زندگی مستقل هستند درحالی‌که در برخی کشورها مانند آمریکا، برنامه‌های ویژه‌ای برای آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت مالی این گروه وجود دارد. و. تضمین حق مشارکت اقتصادی کودکان در فضای دیجیتال و حمایت از حریم خصوصی و امنیت اقتصادی آنان: قوانین ایران مقررات خاصی برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان در فضای مجازی و مقابله با سوءاستفاده اقتصادی از داده‌ها و اطلاعات کودکان ندارند. ز. فقدان حمایت ویژه از کودکان مهاجر و بدون تابعیت در حوزه اقتصادی: مقررات ایران نسبت به حمایت اقتصادی از کودکان مهاجر، پناهجو یا بدون شناسنامه و تابعیت، شفاف و جامع نیست. در مجموع، باید گفت قوانین ایران برخی محورهای اساسی حقوق اقتصادی کودکان مانند منع کار کودک و حق نفقه را پوشش می‌دهد، اما در حوزه‌هایی مانند حمایت اقتصادی هدفمند، حمایت از کودکان آسیب‌پذیر، مقابله با اشکال نوین بهره‌کشی و تأمین رفاه اقتصادی جامع، خلأهای جدی وجود دارد که نیازمند

1. Individuals with Disabilities Education Act (IDEA) (1975).

اصلاح و تکمیل است.

۳. تحلیل حقوق اقتصادی و اجتماعی کودکان مطابق اسناد بین‌المللی

حقوق اقتصادی کودکان در اسناد بین‌المللی به‌صراحت به رسمیت شناخته شده است. حقوق مذکور در کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) شامل این موارد است. حق دسترسی به بالاترین سطح قابل حصول سلامت (ماده ۲۴)، حق بهره‌مندی از تأمین اجتماعی (ماده ۲۶)، حق دسترسی به سطح زندگی کافی برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی کودک (ماده ۲۷)، حق آموزش (مواد ۲۸ و ۲۹) و حق بقا و رشد کودک تا حداکثر میزان ممکن (ماده ۶). کنوانسیون به‌طور ضمنی یا صریح حقوق کودکان دارای معلولیت (ماده ۲۳)، حق قربانیان کودک برای بهبودی جسمی و روانی و ادغام مجدد اجتماعی (ماده ۳۹)، حقوق کودکان پناهنده (ماده ۲۲) و حق رهایی از استثمار اقتصادی و کاری را که احتمالاً خطرناک است، با تحصیل کودک تداخل دارد یا به رشد کودک آسیب می‌رساند (ماده ۳۲)، ترسیم می‌کند (Assembly, 1989, pp. 1-23).

۳.۱. مقایسه کنوانسیون حقوق کودک با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱

استانداردهای حقوق اقتصادی و اجتماعی در کنوانسیون حقوق کودک تا حدودی منعکس‌کننده استانداردهای موجود در تأثیرگذارترین سند سازمان ملل متحد در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. با این حال، کنوانسیون برخلاف میثاق که همگانی است، به‌طور خاص‌تر عمل کرده است. برای مثال، درحالی‌که ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق تأمین اجتماعی را برای همه مقرر می‌کند، ماده ۲۶ کنوانسیون، حق کودکان برای بهره‌مندی از تأمین اجتماعی را تعیین می‌کند. به‌طور مشابه، درحالی‌که هم ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هم ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک گام‌های مفصلی را برای اعمال حق سلامت تعیین می‌کنند، کنوانسیون منحصراً بر پیشبرد حقوق سلامتی کودکان و والدین متمرکز است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمدتاً بر تعهدات دولت‌ها تأکید دارد. با این حال، کنوانسیون حقوق کودک به‌وضوح جایگاه کودکان در خانواده‌ها و نقش والدین و سایر مسئولان قانونی را در تأمین حقوق

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ کودکان مشخص می‌کند. ماده ۱۱ میثاق در مورد حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، طیفی از اقدامات الزامی برای دولت‌ها را جهت تحقق این حق ترسیم می‌کند. در مقابل، ماده ۲۷ کنوانسیون تأکید می‌کند که در وهله اول، «والدین یا سایر مسئولان کودک، مسئولیت اصلی را برای تأمین شرایط زندگی ضروری برای رشد کودک متناسب با توانایی‌ها و ظرفیت مالی خود بر عهده دارند». دولت‌ها نقشی تکمیلی ایفا می‌کنند و موظف‌اند «مطابق با شرایط ملی و در چهارچوب امکانات خود، اقدامات مناسب را برای کمک به والدین و سایر مسئولان در اجرای این حق انجام دهند» و «در صورت نیاز»، کمک‌های مادی و برنامه‌های حمایتی به‌ویژه در حوزه‌های تغذیه، پوشاک و مسکن ارائه دهند. ماده ۳۲ کنوانسیون که به ممنوعیت استثمار اقتصادی و کارهای خطرناک برای کودکان می‌پردازد، به‌طور چشمگیری با مواد مربوط به حق کار و شرایط عادلانه شغلی در میثاق (مواد ۶ و ۷) متفاوت است. هیچ معادلی برای مقررات میثاق در مورد حقوق اتحادیه‌های کارگری در کنوانسیون وجود ندارد. در واقع، ماده کلیدی کنوانسیون درباره کار بسیار نزدیک به ماده ۱۰ میثاق است که اقدامات ویژه حمایتی برای کودکان و جوانان را الزامی می‌کند. اگرچه تفسیر کلی شماره ۲۰ کمیته حقوق کودک^۲ (۲۰۱۶) به «نقش مثبت کار در زندگی نوجوانان» اشاره دارد، متن کنوانسیون نشان می‌دهد که به‌جای به رسمیت شناختن حق کار برای کودکان، این کنوانسیون کار را امری می‌داند که کودکان باید تا حد امکان از آن محافظت شوند و تنها در سنین مشخص و تحت شرایط تنظیم‌شده انجام گیرد (Nolan, 2017, p. 2).

۲.۳. نقش کمیته حقوق کودک در تفسیر حقوق اقتصادی کودکان

کمیته حقوق کودک نقش مهمی در تفسیر حقوق اقتصادی کودکان دارد. این کمیته تا قبل از فوریه ۲۰۱۳، تفسیر کلی موضوعی و حق‌محور در مورد هیچ‌یک از حقوق اقتصادی و اجتماعی مندرج در کنوانسیون منتشر نکرده بود، لیکن بعد از این سال، تفسیر کلی کمیته در مورد حق کودک برای بهره‌مندی از بالاترین سطح قابل دستیابی سلامت، اقدامی ارزشمند در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک). مهم‌ترین اصل کمیته مذکور در

1. Economic, Social and Cultural Rights (ESCR)

2. General Comment No. 20 of the Committee on the Rights of the Child (2016).

تفسیر حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان، اتکای شدید این کمیته به فعالیت‌های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ است. این نهاد مأموریت دارد تا بر پیشرفت دولت‌ها در زمینه پایبندی به میثاق نظارت کند (UN Economic and Social Council Resolution, 1985/17 28 (May 1985)). در مقابل، طبق ماده ۴۳ کنوانسیون، وظیفه کمیته حقوق کودک بررسی پیشرفت دولت‌های عضو در تحقق تعهدات پذیرفته‌شده است. با اینکه هم‌پوشانی روشنی بین حقوق مندرج در کنوانسیون و میثاق وجود دارد، این کمیته‌ها نهادهای مستقلی با مأموریت‌های خاص خود هستند. کمیته حقوق کودک مفهوم «حداقل استانداردهای اصلی»^۲ حقوق اقتصادی و اجتماعی را با استناد صریح به کمیته حقوق اقتصادی در این زمینه اتخاذ کرده است (ComRC Day of General Discussion on resources, paras. 48-49). به اعتقاد کمیته، «رعایت تعهدات مربوط به هسته یک حق نباید وابسته به در دسترس بودن منابع باشد». کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۵، طیفی از «تعهدات اصلی» تحمیل‌شده توسط آن حق را برجسته ساخت و بدین ترتیب رویکرد کمیته حقوق اقتصادی را تکرار کرد (ComRC General Comment, No.15, para. 73). کمیته حقوق اقتصادی در بند ۱۰ تفسیر عمومی شماره ۳ تصریح کرده است که «تعهد هسته‌ای حداقلی برای تضمین حداقل سطوح ضروری هر حق، بر عهده تمام دولت‌های عضو است. بنابراین، برای مثال، اگر در یک دولت عضو، تعداد قابل توجهی از افراد از دسترسی به مواد غذایی ضروری، خدمات بهداشتی اولیه، مسکن اساسی یا ابتدایی‌ترین اشکال آموزش محروم باشند، آن دولت در انجام تعهدات خود تحت میثاق به‌طور اولیه قصور کرده است». کمیته حقوق کودک همچنین با پیروی از کمیته حقوق اقتصادی، به تشریح سایر تعهدات فوری ذیل کنوانسیون پرداخته است. ارجاع این کمیته به تقسیم‌بندی سه‌جانبه تعهدات دولت‌ها یعنی اینکه دولت‌های عضو باید به حقوق «احترام بگذارند، از آن حمایت کنند و آن را محقق سازند» (ComRC General Comment, No. 4, para. 3)، این موضوع را روشن می‌سازد که دولت‌ها نه تنها باید از مداخله در حقوق کودکان خودداری کنند، بلکه باید فعالانه از حقوق آنان حمایت و برای تحقق آن تلاش کنند و گام‌هایی را برای جلوگیری از مداخله مضر اشخاص ثالث در بهره‌مندی از این حقوق بردارند. در تفسیر

1. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (ComESCR)

2. Core Minimum Standards

عمومی شماره ۱۹ خود، کمیته به‌وضوح، تقسیم‌بندی سه‌جانبه را در بخشی از ماده ۴ که بر «اجرای حقوق شناخته‌شده در این کنوانسیون» (یا «اجرای حقوق کودکان») متمرکز است، قرار داده و تصریح کرده است که ابزار تحلیلی «احترام، حمایت و تحقق» بر همه حقوق اعمال می‌شود نه فقط حقوق اقتصادی و اجتماعی. این کمیته در انجام این کار، از درکی از عناصر مختلف این تقسیم‌بندی استفاده کرده که به‌شدت مبتنی بر درک کمیته حقوق اقتصاد بوده است. فراتر از استانداردهای اصلی، تعهد دولت‌های عضو به عدم تبعیض نیز دارای اثر فوری است و کمیته تصریح کرده است که این امر در زمینه بهره‌مندی از حقوق اقتصادی-اجتماعی شامل تبعیض بر اساس سن نیز می‌شود. کمیته در راستای تحقق این تعهد اخیر، «نیاز به شناسایی و اولویت‌بخشی به گروه‌های حاشیه‌نشین و محروم کودکان» را به رسمیت شناخته است (ComRC Day of Discussion on resources, para. 40 General). حوزه نهایی تعهدات مربوط به حقوق اقتصادی کودکان وجود دارد که به‌تازگی توسط کمیته و سایرین در حال بررسی است و آن، تعهد مندرج در ماده ۴ مبنی بر همکاری بین‌المللی یا به‌عبارت دیگر، چگونگی نگرش کمیته حقوق کودک به آن «اجرای جهانی از طریق همکاری بین‌المللی» است. ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک به مسئولیت دولت‌ها در قبال همه کودکان «در قلمرو قضایی خود» اشاره دارد. باین‌حال، در ماده ۴ به قلمرو قضایی اشاره‌ای نشده است و ارجاع آن به «چهارچوب همکاری بین‌المللی»، ظاهراً منجر به تحمیل تعهدات فراسرزمینی می‌شود (Nolan, 2017, p. 8).

۳.۳. الزام کنوانسیون به همکاری دولت‌ها به‌منظور تحقق حقوق اقتصادی کودکان

طبق کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها موظف به همکاری با یکدیگر هستند. ماده ۴ تأکید می‌کند که «اجرای کنوانسیون، تلاشی جمعی برای کشورهای جهان است». می‌توان گفت کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۴ خود، بر همکاری بین‌المللی به‌عنوان اصل اساسی برای تحقق حقوق کودکان تأکید دارد. این همکاری، ابعاد گوناگونی از جمله تبادل اطلاعات، حمایت از کودکان پناهنده، ارتقای سطح سلامت و تضمین نفقه را دربرمی‌گیرد. دولت‌ها تشویق می‌شوند تا در فرایند اجرای کنوانسیون، در صورت اقتضا، کمک‌های فنی ارائه دهند و از آن استفاده کنند (Assembly, 1989, pp. 1-23). طبق ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌هایی که فاقد منابع لازم برای اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون هستند، موظف به جست‌وجوی همکاری‌های بین‌المللی هستند

درحالی‌که دولت‌های دارای منابع برای همکاری‌های بین‌المللی، موظف به ارائه چنین همکاری‌هایی با هدف تسهیل اجرای حقوق کودکان در دولت دریافت‌کننده هستند. دولت‌ها نباید وام‌هایی را از سازمان‌های بین‌المللی بپذیرند یا با شرایط تعیین‌شده توسط چنین سازمان‌هایی موافقت کنند، اگر این وام‌ها یا سیاست‌ها احتمالاً منجر به نقض حقوق کودکان شود. کمیته در زمینه همکاری‌های بین‌المللی اظهار داشته است که گروه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی باید اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های آن‌ها مرتبط با همکاری‌های بین‌المللی و توسعه اقتصادی، منافع عالیه کودکان را در اولویت قرار می‌دهد و اجرای کامل کنوانسیون را ترویج می‌کند (ComRC, GC, No. 5, para. 64).

۴.۳. نقش بازیگران غیردولتی در تحقق حقوق اقتصادی کودکان

دولت‌ها تنها بازیگرانی نیستند که در تضمین حقوق اقتصادی کودکان نقش دارند. کمیته حقوق کودک در تعدادی از بیانیه‌ها به مسئولیت‌های بازیگران غیردولتی در رابطه با حقوق اقتصادی-اجتماعی پرداخته و با بیان اینکه تعهد قانونی دولت‌ها برای احترام و تضمین حقوق کودکان طبق کنوانسیون که شامل تعهد به تضمین این است که ارائه‌دهندگان خدمات عمومی غیردولتی مطابق با مفاد آن عمل کنند، تکالیف غیرمستقیمی را بر این بازیگران ایجاد می‌کند (ComRC, GC, No.5, para. 43). درحالی‌که ایفای این مسئولیت‌ها از نظر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی-اجتماعی مهم است، هیچ سند بین‌المللی الزام‌آور قانونی در مورد مسئولیت‌های بخش تجاری در قبال حقوق بشر وجود ندارد. بنابراین، وظایف و مسئولیت‌ها برای احترام به حقوق کودکان در عمل به فراتر از دولت و خدمات و مؤسسات تحت کنترل دولت گسترش می‌یابد و شامل بازیگران خصوصی نیز می‌شود (ComRC, GC, No. 5, para. 56; ComRC, GC, No. 16, para. 8). با این حال، با توجه به افزایش پدیده جهانی خصوصی‌سازی، مهم است که تأکید شود کمیته به‌وضوح اعلام کرده است که توانمندسازی بخش خصوصی برای ارائه خدمات، اداره مؤسسات و... به‌هیچ‌وجه از تعهد دولت برای تضمین شناسایی کامل و تحقق همه حقوق مندرج در کنوانسیون برای همه کودکان در قلمرو قضایی خود نمی‌کاهد (ComRC, GC, No.5, para. 4). کمیته اخیراً بر لزوم تضمین مشارکت کودک در تصمیمات و فرایندهای مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد.

۵.۳. چالش‌های اجرای حقوق اقتصادی کودکان بر اساس کنوانسیون

اجرای حقوق اقتصادی کودکان بر اساس کنوانسیون با چالش‌هایی روبه‌روست. برخی از این چالش‌ها دیرینه‌اند. برای مثال، بهره‌مندی کودکان از حقوق اقتصادی از این واقعیت رنج می‌برد که حقوق مذکور نسبت به حقوق مدنی و سیاسی در قوانین بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی حقوق بشر توجه بسیار کمتری را به خود جلب می‌کنند. دیگر اینکه، دیدگاه‌های کودکان باید در یک استاندارد مهم حقوق نرم با تمرکز شدید بر حقوق اقتصادی-اجتماعی اعمال شود. این امر با دیدگاه صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف)^۱ مبنی بر اینکه کاهش فقر کودکان به معنای بهبود فرصت‌ها برای مشارکت کودکان محروم در جامعه است، همخوانی دارد (UNICEF, 2005). با این حال، برای معنادار بودن حقوق اقتصادی-اجتماعی کودکان نیاز است که به‌طور مستقیم به موانع اجتماعی و قانونی که مانع بهره‌مندی آن‌ها از حقوقشان می‌شود از جمله سلب حق رأی دموکراتیک و قانونی آن‌ها، قدرت اقتصادی محدود و ظرفیت بسیار محدود آن‌ها برای اعمال نفوذ غیرمستقیم بر فرایندهای تصمیم‌گیری قانونی و سیاستی پرداخته شود. کمیته به چالش‌های پیش روی کودکان در تلاش برای اجرای حقوق خود با استفاده از قانون اشاره کرده است (ComRC, (c) 4, No. 16, para. 4, GC). پروتکل اختیاری کنوانسیون که برای یک روش رسیدگی به شکایات ارائه شده است، کمیته حقوق کودک را قادر می‌سازد تا بیشتر با این موضوع درگیر شود. کمیته حقوق کودک تصدیق کرده است که کودکان اغلب از نظر سیاسی بی‌صدا هستند و برای تحقق حقوق خود متکی به سیستم‌های حکمرانی هستند که بر آن‌ها تأثیر کمی دارند (ComRC, GC, (b) 4, No. 16, para. 4). کمیته در تفسیر عمومی شماره ۲۰ خود در مورد حقوق کودک در دوران نوجوانی که در آن «اهمیت مشارکت به‌عنوان وسیله‌ای برای مشارکت سیاسی و مدنی که از طریق آن نوجوانان می‌توانند برای تحقق حقوق خود مذاکره و طرف‌داری کنند و دولت‌ها را پاسخ‌گو نگه دارند»، تأکید کرده و از دولت‌ها خواسته سیاست‌هایی را برای افزایش فرصت‌های مشارکت سیاسی که «در توسعه شهروندی فعال مؤثر است»، اتخاذ کنند، اما به‌طور قابل‌توجهی دولت‌ها را به‌صراحت تشویق به کاهش سن رأی‌گیری نکرده، بلکه بیان کرده است که «اگر دولت‌ها تصمیم

1. United Nations Children's Fund

بگیرند که سن رأی‌گیری را به زیر ۱۸ سال کاهش دهند، باید در اقداماتی سرمایه‌گذاری کنند که از نوجوانان برای درک، تشخیص و ایفای نقش خود به‌عنوان شهروندان فعال حمایت کند» (ComRC, GC, No.20, para. 34). درحالی‌که داشتن حق رأی قطعاً درمان همه مشکلات فقر نیست، شکی نیست که عدم بهره‌مندی کودکان از آن حق به انزوای سیاسی آن‌ها کمک و ازاین‌رو آن‌ها را از نظر اجتماعی آسیب‌پذیرتر می‌کند. کمیته حقوق کودک در همان تفسیر عمومی خاطرنشان کرد که «تأثیر فقر پیامدهای عمیقی در دوران کودکی دارد و گاه منجر به طرد اجتماعی و سیاسی می‌شود» (Nolan, 2017, p. 18).

۴. تحلیل حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در نظام حقوقی آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا، حقوق اقتصادی کودکان در قوانین مختلف به رسمیت شناخته و توسط محاکم قضایی تا حدودی تضمین شده است.

۴.۱. تحلیل نظام قانونی آمریکا در خصوص حقوق اقتصادی کودکان

در آمریکا، مجموعه‌ای از قوانین فدرال برای حمایت از حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان وجود دارد که حوزه‌هایی مانند حمایت اجتماعی، بهداشت، آموزش، تغذیه، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و پیشگیری از سوءاستفاده را پوشش می‌دهد. مهم‌ترین این قوانین در ادامه بررسی می‌شود.

۴.۱.۱. قانون حمایت از کودک و پیشگیری و درمان کودک‌آزاری مصوب ۱۹۷۴

این قانون چهارچوبی برای تعریف، پیشگیری و درمان کودک‌آزاری و بی‌توجهی فراهم می‌کند و به ایالت‌ها کمک مالی و راهنمایی ارائه می‌دهد. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قانون مذکور شامل این موارد است. حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و کارهای مضر، ممنوعیت به‌کارگیری کودکان در مشاغل خطرناک، حمایت از کودکان در معرض سوءاستفاده و غفلت اقتصادی، تضمین حق آموزش و رفاه اقتصادی و نظارت و گزارش‌دهی. قانون یادشده نهادهای مسئول را ملزم به جمع‌آوری داده‌ها، نظارت و گزارش‌دهی درباره وضعیت اقتصادی و رفاهی کودکان می‌کند تا سیاست‌های حمایتی بهبود یابد. بااین‌حال، آمریکا در عمل با چالش‌هایی مانند کار کودکان در کشاورزی، نابرابری‌های نژادی و جنسیتی در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی کودکان

و ضعف در اجرای استانداردهای بین‌المللی مواجه است. آمریکا تنها عضو سازمان ملل است که کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را تصویب نکرده و این موضوع بر نحوه حمایت از حقوق اقتصادی کودکان تأثیرگذار بوده است (Stoltzfus, 2009, p. 102).

۴.۱.۲. قوانین مرتبط با تأمین اجتماعی مصوب ۱۹۳۵ (عناوین IV-B و IV-E)

این قوانین شامل حمایت‌های مالی برای کودکان بی‌سرپرست، فرزندخواندگی، سرپرستی بستگان، خدمات مراقبت از فرزندان و برنامه‌های حمایتی برای کودکان در معرض خطر است. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قوانین مذکور به‌ویژه در عناوین IV-B و IV-E عمدتاً شامل حمایت‌های مالی و رفاهی برای کودکان نیازمند و در مراقبت جایگزین است. عنوان کمک به خانواده‌های نیازمند برای تأمین معیشت کودکان (Title IV-B)، به ایالت‌ها کمک مالی می‌کند تا خدمات حمایتی و رفاهی به خانواده‌های کم‌درآمد و در معرض خطر ارائه دهند از جمله حمایت از کودکان در معرض سوءاستفاده یا غفلت، خدمات مشاوره، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش‌های لازم. عنوان حمایت مالی از کودکان در سیستم مراقبت جایگزین (Title IV-E)، به پرداخت هزینه‌های نگهداری کودکان در خانواده‌های جایگزین (فاستر کر) یا مؤسسات مراقبتی می‌پردازد. این کمک‌ها شامل هزینه‌های روزمره مانند خوراک، مسکن، مراقبت پزشکی، آموزش و خدمات اجتماعی است که برای حفظ رفاه اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی کودکان ارائه می‌شود. برنامه‌های حمایت از فرزندخواندگی و کمک‌های مالی مرتبط (IV-E)، حمایت‌هایی برای تسهیل فرزندخواندگی و تأمین مالی خانواده‌های ایجاد می‌کند که برای کودکان محیط امن و پایدار اقتصادی فراهم می‌آورد. ایالت‌ها موظف‌اند برنامه‌های خود را مطابق با قوانین فدرال اجرا کنند و گزارش‌های دوره‌ای درباره وضعیت رفاهی کودکان ارائه دهند تا اطمینان حاصل شود که حمایت‌های اقتصادی به‌درستی به کودکان نیازمند اختصاص یافته است. این حمایت‌ها چهارچوبی برای تضمین رفاه اقتصادی کودکان آسیب‌پذیر در آمریکا فراهم می‌کنند و هدف آن‌ها کاهش فقر، حمایت از خانواده‌ها و تأمین نیازهای اساسی کودکان در شرایط دشوار است (Douglas, 2000, p. 52).

۳.۱.۴. قانون حمایت از فرزندخواندگی و خانواده‌های امن^۱ مصوب ۱۹۹۷

هدف این قانون، تسهیل فرزندخواندگی، تضمین رفاه کودکان در نظام مراقبت جایگزین و حمایت از خانواده‌های فرزندخوانده است. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قانون مذکور عبارت‌اند از تأمین امنیت اقتصادی و رفاهی کودکان تحت سرپرستی، پرداخت کمک‌هزینه‌های مراقبتی، حمایت از ثبات و استمرار سرپرستی، ممانعت از بهره‌کشی اقتصادی کودکان، تضمین دسترسی کودکان به خدمات حمایتی و حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست. قانون به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا برنامه‌های حمایتی و اقتصادی ویژه‌ای برای کودکان بی‌سرپرست یا در معرض خطر اجرا کنند تا از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری شود. این مصادیق در چهارچوب قانون حمایت از فرزندخواندگی و خانواده‌های امن به‌منظور تأمین رفاه اقتصادی، حفظ حقوق کودکان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی از آن‌ها تدوین شده‌اند و نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی کودکان تحت سرپرستی ایفا می‌کنند (Phillips & Mann, 2013, p. 864).

۴.۱.۴. برنامه بیمه سلامت کودکان

برنامه بیمه سلامت کودکان به‌عنوان بخشی از قانون بودجه متوازن^۲ در سال ۱۹۹۷ تصویب شده است. این برنامه، بیمه درمانی رایگان یا کم‌هزینه برای کودکان خانواده‌های کم‌درآمد فراهم می‌کند. حقوق اقتصادی کودکان در برنامه بیمه سلامت کودکان آمریکا عبارت‌اند از دریافت بیمه سلامت رایگان یا کم‌هزینه، کمک‌هزینه مالی به خانواده‌ها و کمک‌هزینه کاهش فقر کودکان (Hudak, Shenkin, & Harbaugh, 2014, p. 42).

۵.۱.۴. قانون حمایت از کودکان دارای نیازهای ویژه^۳ مصوب ۱۹۷۵

قانون مذکور، آموزش رایگان و مناسب برای کودکان دارای معلولیت و حمایت از حقوق آموزشی و رفاهی آن‌ها را تضمین می‌کند. حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون مذکور شامل حق آموزش رایگان و مناسب، دسترسی برابر به امکانات آموزشی، تأمین خدمات رفاهی و حمایتی و ممنوعیت تبعیض اقتصادی و آموزشی می‌شود. دولت فدرال بودجه‌ای برای ایالت‌ها تخصیص

1. Adoption and Safe Families Act

2. Balanced Budget Act

3. Individuals with Disabilities Education Act (IDEA)

می‌دهد تا برنامه‌های آموزشی و رفاهی ویژه کودکان معلول را اجرا و از نظر اقتصادی خانواده‌ها را حمایت کنند (EDUCATION, 2003, p. 14).

۴.۱.۶. قانون حمایت از تغذیه کودکان^۱ مصوب ۱۹۶۶

قانون مذکور، تأمین وعده‌های غذایی سالم و رایگان یا کم‌هزینه در مدارس برای کودکان نیازمند را پیش‌بینی کرده است. دسترسی به وعده‌های غذایی سالم و رایگان یا کم‌هزینه در مدارس، برنامه‌های تغذیه‌ای ویژه برای کودکان نیازمند، حمایت مالی از خانواده‌ها برای تأمین غذای کودکان و تضمین عدالت و دسترسی برابر از مهم‌ترین حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون فوق است (Stitzel, 2004, p. 10).

۴.۱.۷. قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و برنامه‌های مستقل شدن^۲ مصوب ۱۹۹۹

این قانون حمایت از کودکان در مراقبت جایگزین به‌منظور انتقال به زندگی مستقل و کسب اشتغال و بهداشت را به عهده دارد. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان آمریکا در قانون مذکور عبارت‌اند از حمایت مالی برای تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌های توانمندسازی و آموزش مهارت‌های زندگی، حمایت از نوجوانان در انتقال به استقلال، تسهیل دسترسی به آموزش و اشتغال و پشتیبانی از خانواده‌های پذیرنده. قانون سازوکارهایی برای نظارت بر تخصیص و استفاده از منابع مالی و خدمات حمایتی به کودکان بی‌سرپرست و مستقل‌شونده را پیش‌بینی کرده است (Allen & Nixon, 2000, p. 34).

۴.۱.۸. قوانین حمایت از حریم خصوصی و امنیت کودکان (مانند قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای اینترنت^۳ و قانون حفاظت از اینترنت کودکان^۴)

این قوانین بر حفاظت از حریم خصوصی کودکان در اینترنت و محدود کردن دسترسی به محتوای نامناسب تأکید دارند. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان آمریکا در قوانین حمایت از حریم خصوصی و امنیت کودکان به‌ویژه در دو قانون مهم خلاصه می‌شود: قانون حفاظت از حریم

1. Child Nutrition Act

2. Foster Care Independence Act

3. Children's Online Privacy Protection Act (COPPA) (1998).

4. Children's Internet Protection Act (CIPA) (2000).

خصوصی کودکان در فضای اینترنت که در سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد، اپراتورهای وبسایت‌ها و خدمات آنلاین را ملزم می‌کند هنگام جمع‌آوری اطلاعات شخصی از کودکان زیر ۱۳ سال، رضایت والدین را کسب کنند و سیاست‌های حریم خصوصی شفافی داشته باشند. هدف اصلی قانون فوق، جلوگیری از سوءاستفاده اقتصادی و حفظ امنیت اطلاعات کودکان در فضای مجازی است. قانون حفاظت از اینترنت کودکان، مدارس و کتابخانه‌هایی را که از برنامه‌های تخفیف اینترنت^۱ بهره‌مند می‌شوند، ملزم به اجرای سیاست‌های ایمنی اینترنت می‌کند. این سیاست‌ها شامل فیلتر کردن محتوای نامناسب، نظارت بر فعالیت‌های آنلاین کودکان زیر ۱۶ سال، جلوگیری از افشای غیرمجاز اطلاعات شخصی و آموزش کودکان درباره رفتار ایمن در فضای مجازی است. این قوانین با ایجاد محدودیت‌ها و الزاماتی برای محافظت از کودکان در فضای دیجیتال، از حقوق اقتصادی کودکان حمایت می‌کنند تا از بهره‌کشی اقتصادی، سوءاستفاده اطلاعاتی و آسیب‌های ناشی از دسترسی به محتوای مضر جلوگیری شود (Reyes et al, 2018, p. 22).

۹.۱.۴. قوانین مربوط به حداقل سن کار و منع کار کودک

در قوانین مذکور، حداقل سن اشتغال تعیین و از کارهای خطرناک منع و عدم تداخل کار با آموزش کودکان تضمین شده است. بر اساس قانون استانداردهای کار منصفانه^۲ فدرال مصوب ۱۹۳۸، حداقل سن مجاز برای شروع به کار در آمریکا معمولاً ۱۴ تا ۱۵ سال است؛ البته این سن در برخی ایالت‌ها و مشاغل خاص متفاوت است. برای مثال، در برخی ایالت‌ها حداقل سن ۱۸ سال تعیین شده است. استثناهایی برای کار کودکان در بخش کشاورزی وجود دارد که ممکن است سن پایین‌تری را مجاز بداند. در اکثر ایالت‌ها به‌کارگیری افراد زیر ۱۴ سال به‌طورکلی ممنوع است و کارفرمایان متخلف مشمول مجازات می‌شوند. نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال می‌توانند در مشاغل سبک و غیرمضر مشغول به کار شوند و ساعات کاری آن‌ها محدود است تا به تحصیل و سلامت آنان آسیبی نرسد. کودکان و نوجوانان شاغل مشمول دریافت حداقل دستمزد تعیین‌شده توسط قانون هستند که معمولاً حدود ۱۳ دلار در ساعت است، اما بسته به ایالت متفاوت است. برای

1. E-Rate

2. Fair Labor Standards Act

اشتغال قانونی، داشتن شماره تأمین اجتماعی ضروری است (Edmonds & Shrestha, 2012, p. 5).

۱۰.۱.۴. قانون حمایت از پرداخت نفقه کودک^۱ مصوب ۱۹۷۵

مطابق قانون مذکور، والدین غیرحاضن ملزم به پرداخت نفقه برای حمایت مالی از کودکان هستند. تعیین و الزام والدین به پرداخت نفقه، شناسایی و پیگیری والد غایب و دریافت کمک‌هزینه‌های پزشکی و بیمه درمانی از مصادیق حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون مذکور هستند. طبق قانون مذکور، هزینه‌های پزشکی و بیمه درمانی کودک نیز به‌عنوان بخشی از نفقه از والد غایب دریافت می‌شود. در ایالت‌هایی مانند اوهایو، نفقه کودک بر اساس فرمولی که درآمد والدین، تعداد فرزندان، هزینه‌های مراقبت و درمان و سایر نیازهای ویژه را در نظر می‌گیرد، تعیین می‌شود. بر اساس قانون فوق، در صورت وجود هزینه‌های غیرمعمول یا نیازهای خاص کودک، والدین می‌توانند از دادگاه درخواست تغییر مبلغ نفقه را داشته باشند. این قوانین در کنار برنامه‌های مالیاتی (مانند اعتبار مالیاتی فرزندخواندگی)، حمایت‌های مستقیم مالی و خدمات اجتماعی و بهداشتی، شبکه‌ای گسترده برای حمایت از رفاه و حقوق اقتصادی کودکان در آمریکا ایجاد کرده است (Solomon- Fears, 2016, p. 39).

۲.۴. تحلیل نظام قضایی آمریکا در خصوص حقوق اقتصادی کودکان

در دادگاه‌های آمریکا، پرونده‌های متعددی درباره حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان مطرح شده که برخی از آن‌ها تأثیرگذار و تعیین‌کننده بوده‌اند. در پرونده ناحیه آموزشی مستقل سن آنتونیو علیه رودریگز، والدین دانش‌آموزان مناطق فقیرنشین تگراس علیه نظام تأمین مالی مدارس که مبتنی بر مالیات املاک محلی بود، شکایت کردند و مدعی شدند این نظام باعث تبعیض و نابرابری در کیفیت آموزش کودکان مناطق کم‌درآمد می‌شود. دیوان عالی آمریکا حکم داد که آموزش یک «حق بنیادین» طبق قانون اساسی نیست و تفاوت در تأمین مالی مدارس، نقض اصل برابری محسوب نمی‌شود (San Antonio Independent School District v. Rodriguez, 1973).

1. Child Support Enforcement Act

پرونده کادرماس علیه مدارس دولتی دیکینسون، خانواده‌ای فقیر از داکوتای شمالی به دلیل دریافت هزینه سرویس مدرسه برای فرزندشان شکایت کردند و آن را مغایر با اصل برابری دانستند. دیوان عالی اعلام کرد قانون اساسی دولت‌ها را ملزم به ارائه رایگان سرویس مدرسه نمی‌کند و آموزش، حق بنیادین تلقی نمی‌شود (Kadrmas v. Dickinson Public Schools, 1988). مطابق رأی دیوان عالی در پرونده‌ای با موضوع سقف کمک‌های نقدی به خانواده‌های نیازمند (Aid to Families With Dependent Children)، الزامی وجود ندارد که کمک‌ها معادل نیاز کامل خانواده باشد و دولت‌ها می‌توانند سقف معینی برای این کمک‌ها تعیین کنند. در پرونده دیشینی علیه وینباگو که پس از بی‌توجهی اداره خدمات اجتماعی به گزارش‌های کودک‌آزاری، کودک دچار آسیب دائمی شد (Handler, 1987, p. 457)، دیوان عالی آمریکا حکم داد که دولت تنها زمانی مسئول است که کودک را از والدین سلب حضانت کند و صرف بی‌توجهی به گزارش‌های کودک‌آزاری، نقض حقوق اساسی کودک محسوب نمی‌شود (DeShaney v. Winnebago, 1989). در پرونده اداره خدمات اجتماعی شهر بالتیمور علیه بوکنایت، دادگاه حکم داد که والدین نمی‌توانند با استناد به حق عدم خودمجرمانگاری^۱، از ارائه فرزندشان به نهادهای حمایتی در صورت صدور دستور دادگاه خودداری کنند و تمرکز باید بر رفاه کودک باشد (Baltimore City Department of Social Services v. Bouknight, 1990). دادگاه‌ها در موارد متعدد بر این اصل تأکید کرده‌اند که دولت می‌تواند برای حمایت از رفاه کودکان از جمله کودکان دارای معلولیت، آزادی والدین را محدود کند و آموزش و حمایت ویژه را الزامی سازد. در پرونده شرکت بهداشت و بیمارستان علیه تالوسکی، دیوان عالی آمریکا تأیید کرد که کودکان و خانواده‌ها می‌توانند در صورت نقض حقوق خود تحت قوانین رفاهی فدرال، علیه دولت ایالتی اقامه دعوی و از طریق قانون ۱۹۸۳، حقوق خود را مطالبه کنند (Health and Hospital Corporation v. Talevski, 2023). این پرونده‌ها نشان می‌دهند که حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در برخی حوزه‌ها قابل پیگیری قضایی است، اما دیوان عالی آمریکا آموزش را «حق بنیادین» ندانسته و حمایت‌های رفاهی نیز معمولاً در چهارچوب قوانین فدرال و ایالتی و با محدودیت‌هایی قابل

مطالبه است.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی حقوق اقتصادی کودکان در نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که هر سه نظام بر اهمیت حمایت از کودکان در زمینه‌های اقتصادی و رفاهی تأکید دارند، اما از نظر ساختار قانونی، دامنه حمایت‌ها و میزان اجرایی شدن، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. هر دو کشور ایران و آمریکا بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را جرم می‌دانند و قوانینی برای حمایت مالی (نفقه) و بهداشتی دارند. نظام حقوقی ایران با وجود پیشرفت‌های قانونی در زمینه ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه و بیمه سلامت، هنوز با چالش‌هایی مانند ضعف در اجرای قوانین، نابرابری‌های منطقه‌ای و محدودیت‌های حمایتی مواجه است. در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با مجموعه‌ای گسترده از قوانین فدرال و برنامه‌های حمایتی، حمایت‌های جامع و هدفمندتری را برای کودکان فراهم می‌کند. نظام حقوقی این کشور در اجرای قوانین مانند وصول نفقه و حمایت از کودکان در مراقبت جایگزین پیشرفته‌تر است. نظام حقوقی ایران بر مسئولیت خانواده (به‌ویژه پدر) در تأمین مالی تأکید دارد در حالی که آمریکا با سیستم‌های دولتی مانند برنامه بیمه سلامت کودکان، نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. نظام حقوقی کشور مذکور به حقوق کودکان در فضای مجازی توجه ویژه دارد، لیکن ایران هنوز قوانین جامعی در این زمینه ندارد.

برای تقویت حقوق اقتصادی کودکان در ایران می‌توان مجموعه‌ای از راهکارهای حقوقی، آموزشی و حمایتی را پیشنهاد داد که هم ساختار قانونی را بهبود بخشد و هم مهارت‌های اقتصادی کودکان را از سنین پایین ارتقا دهد. اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک که چهارچوبی جهانی و استاندارد برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان ارائه داده‌اند، می‌توانند راهنمای اصلاح و توسعه قوانین داخلی باشند. ارتقای حقوق اقتصادی کودکان در حقوق ملی مستلزم تقویت قوانین داخلی به‌ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی‌تر، بهبود نظام‌های نظارتی و شرایط اقتصادی، آموزش مهارت‌های مالی و اقتصادی به کودکان، حمایت‌های رفاهی هدفمند و توانمندسازی خانواده‌ها، گسترش بیمه و حمایت‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نوجوانان با رعایت استانداردهای بین‌المللی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی و توجه ویژه به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه کودکان است تا بتوانند

از حقوق خود به صورت کامل بهره‌مند شوند و زمینه رشد و توسعه متوازن آن‌ها فراهم شود. در پایان به منظور تقویت نظام قانونی ایران، پیشنهاد می‌شود ماده زیر به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان الحاق شود:

«هر فرد یا نهادی که با سوءنیت یا به طور عمدی و برخلاف مصلحت کودک با اقداماتی نظیر انعقاد قرارداد یا تنفیذ آن، سوءاستفاده از داده‌های اقتصادی کودک در فضای مجازی، ممانعت از حق، کار اجباری یا پنهانی کودک، اجاره کودک، اخراج کودک از منزل، گرسنگی دادن و تصرف در اموال مادی و معنوی کودک، حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان را تضییع، استثمار و بهره‌کشی کند، به یک یا چند مورد از مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. در خصوص کودکان معلول، بدسرپرست، بی‌سرپرست و مهاجر، شخص خاطی به اشد مجازات مذکور محکوم می‌شود. چنانچه کودک به خاطر اقدامات فوق متحمل ضرر و زیان مادی و معنوی شده باشد، می‌تواند جبران خسارات وارده را نیز مطالبه کند.»

منابع

- ۱) امامی، سیدحسن (۱۳۹۹). حقوق مدنی (جلد ۲). تهران: اسلامیه.
- ۲) پورمحمد گلزاری نویر، مزده، ارفع‌نیا، بهشید، افشاری، مریم و تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۴۰۲). چالش‌های دولت ایران در برابر حقوق کودکان کار با توجه به حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۶ (۵۹)، صص. ۲۴۷-۲۷۵.
- ۳) توسلی نایینی، منوچهر و بهزادفر، غزاله (۱۳۹۹). حق تغذیه از دیدگاه اسناد حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق تغذیه کودکان. فصلنامه حقوق کودک، ۵ (۲)، صص. ۱۰۴-۱۲۸.
- ۴) حمداللهی، عاصف و پورسید، بهزاد (۱۳۸۸). احکام وضعی طفل متولد از رحم جایگزین در رابطه با توارث و نفقه. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۰ (۲)، صص. ۱۸۹-۲۴۳. doi: 10.30497/law.2012.1254
- ۵) شعبان، مریم (۱۴۰۰). تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران؛ بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک. فصلنامه تمدن حقوقی، ۴ (۹)، صص. ۱۳۹-۱۶۸.
- ۶) طوسی‌ان، الهام، پورقصاب امیری، علی و جهانگیری، علیرضا (۱۴۰۰). مبارزه با فقر کودکان و حمایت‌های اقتصادی از آنان در فقه و کنوانسیون حقوق کودک. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۳ (۲)، صص. ۲۱۹-۲۳۴.
- ۷) عباسی کلیمانی، عاطفه، عباسیان ارانی، فاطمه و شهبازی، محمدحسین (۱۴۰۲). کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی. فقه و حقوق خانواده، ۲۸ (۷۹)، صص. ۸۳-۱۰۸. doi: 10.30497/flj.2023.244272.1887
- ۸) فیروزپور، کوثر (۱۴۰۰). دستاوردهای حقوق بین‌الملل در تحقق حق بر سلامت کودکان ناتوان. پژوهش‌های حقوقی، ۲۰ (۴۶)، صص. ۳۲۵-۳۴۶. doi: 10.48300/jlr.2021.132624
- ۹) فیروزگاه، زری (۱۴۰۲). حق نفقه کودک در فقه با تأکید بر مسائل کیفری. فقه جزای تطبیقی، ۱۰ (۳)، صص. ۱۳۰-۱۴۰. doi: 10.22034/jccj.2023.388085.1218
- ۱۰) محمدی، مهدی و میرابی، سیده‌بریس (۱۴۰۰). نقش حقوق اقتصادی در حمایت از حقوق کار کودکان. فصلنامه حقوق کودک، ۳ (۱۱)، صص. ۱۳-۲۶.
- ۱۱) هاشمی، سیدمحمد و همتی، مجتبی (۱۳۹۰). حقوق اقتصادی و اجتماعی (حقوق رفاهی) کودکان؛ تحلیل مبانی نظری و موازین بین‌المللی. تحقیقات حقوقی، ۶ (۱۴)، صص. ۲۵۳-۲۸۰.
- 12) Allen, M., & Nixon, R. (2000). Foster Care Independence Act and John H. Chafee Foster Care Independence Program: New catalysts for reform for young people aging out of foster care. Clearinghouse Review, 34, 197.

- 13) Baltimore City Department of Social Services v. Bouknight, 493 U.S. 549 (1990).
- 14) Committee on Child Health Financing, Racine, A. D., Long, T. F., Helm, M. E., Hudak, M., Shenkin, B. N., ... & Harbaugh Jr, N. C. (2014). Children's Health Insurance Program (CHIP): Accomplishments, challenges, and policy recommendations. *Pediatrics*, 133(3), e784-e793.
- 15) Committee on the Rights of the Child. (2000). General Comment No. 4: Adolescent health and development in the context of the Convention on the Rights of the Child (CRC/GC/2003/4).
- 16) Committee on the Rights of the Child. (2003). General Comment No. 5: General measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child (arts. 4, 42 and 44, para. 6) (CRC/GC/2003/5).
- 17) Committee on the Rights of the Child. (2013). General Comment No. 15: On the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24) (CRC/C/GC/15).
- 18) Committee on the Rights of the Child. (2013). General Comment No. 16: On State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights (CRC/C/GC/16).
- 19) Committee on the Rights of the Child. (2016). General Comment No. 20: On the implementation of the rights of the child during adolescence (CRC/C/GC/20).
- 20) Committee on the Rights of the Child. (2016). Report of the 2016 Day of General Discussion on Children's Rights and the Environment.
- 21) DeShaney v. Winnebago County Department of Social Services, 489 U.S. 189 (1989).
- 22) Douglas, Paul H. (2000). Social security in the United States: An analysis and appraisal of the federal Social Security Act. Beard Books.
- 23) Edmonds, Eric V., & Shrestha, Maheshwor. (2012). The impact of minimum age of employment regulation on child labor and schooling. *IZA Journal of Labor Policy*, 1, 1-28.
- 24) Handler, Joel F. (1987). The transformation of Aid to Families with Dependent Children: The Family Support Act in historical context. *NYU Review of Law & Social Change*, 16, 457.
- 25) Health and Hospital Corporation of Marion County v. Talevski, 599 U.S. 166 (2023).
- 26) Kadrmas v. Dickinson Public Schools, 487 U.S. 450 (1988).
- 27) Nolan, Aoife. (2017). Children's economic and social rights. *International Law on the Rights of the Child*.
- 28) Phillips, Coretta M., & Mann, Amelia. (2013). Historical analysis of the Adoption and Safe Families Act of 1997. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 23(7), 862-868.
- 29) Reyes, Irwin, Wijesekera, Primal, Reardon, Joel, Elazari Bar On, Amit, Razaghpanah, Abbas, Vallina-Rodriguez, Narseo, & Egelman, Serge. (2018, July). "Won't somebody think of the children?" Examining COPPA compliance at scale. In *The 18th Privacy Enhancing Technologies Symposium (PETS 2018)*.
- 30) San Antonio Independent School District v. Rodriguez, 411 U.S. 1 (1973).

- 31) Solomon-Fears, Carmen. (2016). The child support enforcement program: A legislative history. Congressional Research Service, 39.
- 32) Stitzel, Kathryn F. (2004). Child nutrition programs legislation: Past and present. Topics in Clinical Nutrition, 19(1), 9-19.
- 33) Stoltzfus, Emilie. (2009). The Child Abuse Prevention and Treatment Act (CAPTA): Background, programs, and funding. Congressional Research Service.
- 34) U.S. Department of Education. (2003). Individuals with Disabilities Education Act (IDEA). Washington DC: U.S. Government, Department of Education.
- 35) UN Economic and Social Council Resolution 1985/17, 28 May 1985.
- 36) UN General Assembly. (1989). Convention on the Rights of the Child. United Nations, Treaty Series, 1577(3), 1-23.
- 37) UNICEF. (Ed.). (2005). The state of the world's children 2006: Excluded and invisible. UNICEF.



References

- 1) Abbasi Kalimani, Atefeh, Abbasian Arani, Fatemeh & Shahbazi, Mohammad Hossein (1402 SH/2023). Kār-e Kūdak dar Nizām-e Huqūq-e Khānavādah-ye Īrān az Manẓar-e Ījābī va Salbī [Child Labor in the Iranian Family Law System from Positive and Negative Perspectives]. Feqh va Hoquq-e Khanevadeh [Jurisprudence and Family Law], 28(79), pp. 83-108. doi: 10.30497/flj.2023.244272.1887 [in Persian].
- 2) Allen, M., & Nixon, R. (2000). Foster Care Independence Act and John H. Chafee Foster Care Independence Program: New catalysts for reform for young people aging out of foster care. Clearinghouse Review, 34, 197.
- 3) Baltimore City Department of Social Services v. Bouknight, 493 U.S. 549 (1990).
- 4) Committee on Child Health Financing, Racine, A. D., Long, T. F., Helm, M. E., Hudak, M., Shenkin, B. N., ... & Harbaugh Jr, N. C. (2014). Children's Health Insurance Program (CHIP): Accomplishments, challenges, and policy recommendations. Pediatrics, 133(3), e784-e793.
- 5) Committee on the Rights of the Child. (2000). General Comment No. 4: Adolescent health and development in the context of the Convention on the Rights of the Child (CRC/GC/2003/4).
- 6) Committee on the Rights of the Child. (2003). General Comment No. 5: General measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child (arts. 4, 42 and 44, para. 6) (CRC/GC/2003/5).
- 7) Committee on the Rights of the Child. (2013). General Comment No. 15: On the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24) (CRC/C/GC/15).
- 8) Committee on the Rights of the Child. (2013). General Comment No. 16: On State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights (CRC/C/GC/16).
- 9) Committee on the Rights of the Child. (2016). General Comment No. 20: On the implementation of the rights of the child during adolescence (CRC/C/GC/20).
- 10) Committee on the Rights of the Child. (2016). Report of the 2016 Day of General Discussion on Children's Rights and the Environment.
- 11) DeShaney v. Winnebago County Department of Social Services, 489 U.S. 189 (1989).
- 12) Douglas, Paul H. (2000). Social security in the United States: An analysis and appraisal of the federal Social Security Act. Beard Books.
- 13) Edmonds, Eric V., & Shrestha, Maheshwor. (2012). The impact of minimum age of employment regulation on child labor and schooling. IZA Journal of Labor Policy, 1, 1-28.
- 14) Emami, Seyyed Hasan (1399 SH/2020). Huqūq-e Madanī (Vol. 2) [Civil Law]. Tehran: Eslamiyeh [in Persian].
- 15) Firouzkah, Zari (1402 SH/2023). Haqq-e Nafaqah-ye Kūdak dar Fiqh bā Ta'kid bar Masā'il-e Kayfarī [Child's Right to Maintenance in Jurisprudence with Emphasis on Criminal Issues]. Feqh-e Jazay-e Tatbiqi [Comparative Criminal Jurisprudence], 10(3), pp. 130-140. doi: 10.22034/jccj.2023.388085.1218 [in Persian].

- Persian].
- 16) Firouzpour, Kowsar (1400 SH/2021). Dastāvardhā-ye Huqūq-e Bayn al-Milal dar Taḥaqquq-e Haqq bar Salāmat-e Kūdākān-e Nātavān [International Law Achievements in Realizing the Right to Health of Children with Disabilities]. Pazhuhesh-haye Hoquqi [Legal Research Journal], 20(46), pp. 325-346. doi: 10.48300/jlr.2021.132624 [in Persian].
 - 17) Hamdollahi, Asef & Poorseyed, Behzad (1388 SH/2010). Ahkām-e Vaz'ī-ye Ṭifl-e Mutavallid az Raḥim-e Jāyguzīn dar Rābiṭah bā Tavārus va Nafaqah [Conventional Regulations of Surrogate Child in relation to Succession and Maintenance]. Pazhuheshnameh Hoquq-e Eslami [Journal of Islamic Law Research], 10(2), pp. 189-243. doi: 10.30497/law.2012.1254 [in Persian].
 - 18) Handler, Joel F. (1987). The transformation of Aid to Families with Dependent Children: The Family Support Act in historical context. NYU Review of Law & Social Change, 16, 457.
 - 19) Hashemi, Seyyed Mohammad & Hemmati, Mojtaba (1390 SH/2011). Huqūq-e Iqtisādī va Ijtimā'ī (Huqūq-e Rifāhī)-ye Kūdākān; Taḥlīl-e Mabānī-ye Naẓarī va Mavāzīn-e Bayn al-Milālī [Economic and Social Rights (Welfare Rights) of Children; Analysis of Theoretical Foundations and International Standards]. Tahqiqat-e Hoquqi [Legal Research], 6(14), pp. 253-280 [in Persian].
 - 20) Health and Hospital Corporation of Marion County v. Talevski, 599 U.S. 166 (2023).
 - 21) Kadrmas v. Dickinson Public Schools, 487 U.S. 450 (1988).
 - 22) Mohammadi, Mehdi & Mirabi, Seyyede Parisa (1400 SH/2021). Naqsh-e Huqūq-e Iqtisādī dar Ḥimāyat az Huqūq-e Kār-e Kūdākān [The Role of Economic Rights in Protecting Children's Labor Rights]. Faslnameh Hoquq-e Koudak [Child Law Quarterly], 3(11), pp. 13-26 [in Persian].
 - 23) Nolan, Aoife. (2017). Children's economic and social rights. International Law on the Rights of the Child.
 - 24) Phillips, Coretta M., & Mann, Amelia. (2013). Historical analysis of the Adoption and Safe Families Act of 1997. Journal of Human Behavior in the Social Environment, 23(7), 862-868.
 - 25) Pourmohammad Golzari Nobar, Mozhdeh, Arfa'nia, Behshid, Afshari, Maryam & Taghizadeh Ansari, Mostafa (1402 SH/2023). Chālīshhā-ye Dawlat-e Īrān dar Barābar-e Huqūq-e Kūdākān-e Kār bā Tavajjuh bih Huqūq-e Bayn al-Milāl [Challenges of the Iranian Government Regarding Working Children's Rights in Light of International Law]. Tahqiqat-e Hoquq-e Bayn al-Melali [International Legal Research Journal], 16(59), pp. 247-275 [in Persian].
 - 26) Reyes, Irwin, Wijesekera, Primal, Reardon, Joel, Elazari Bar On, Amit, Razaghpanah, Abbas, Vallina-Rodriguez, Narseo, & Egelman, Serge. (2018, July). "Won't somebody think of the children?" Examining COPPA compliance at scale. In The 18th Privacy Enhancing Technologies Symposium (PETS 2018).
 - 27) San Antonio Independent School District v. Rodriguez, 411 U.S. 1 (1973).
 - 28) Shaban, Maryam (1400 SH/2021). Taḥlīl-e Sākhṭār-e Huqūq-e Kūdāk dar Īrān; Barrasī-ye Marja'-e Millī-ye Kunvānsīyūn-e Huqūq-e Kūdāk bar Mabnā-ye

- Paymānnāmāh-ye Jahānī-ye Huqūq-e Kūdāk [Analysis of Child Law Structure in Iran; Review of the National Reference of the Convention on the Rights of the Child Based on the UN Convention on the Rights of the Child]. Faslnameh Tamaddun-e Hoquqi [Legal Civilization Quarterly], 4(9), pp. 139-168 [in Persian].
- 29) Solomon-Fears, Carmen. (2016). The child support enforcement program: A legislative history. Congressional Research Service, 39.
 - 30) Stitzel, Kathryn F. (2004). Child nutrition programs legislation: Past and present. Topics in Clinical Nutrition, 19(1), 9-19.
 - 31) Stoltzfus, Emilie. (2009). The Child Abuse Prevention and Treatment Act (CAPTA): Background, programs, and funding. Congressional Research Service.
 - 32) Tavassoli Naeini, Manouchehr & Behzadfar, Ghazaleh (1399 SH/2020). Haqq-e Taghziyah az Didgāh-e Asnād-e Huqūq-e Bayn al-Milal bā Ta'kid bar Haqq-e Taghziyah-ye Kūdākān [The Right to Food from the Perspective of International Law Documents with Emphasis on Children's Right to Food]. Faslnameh Hoquq-e Koudak [Child Law Quarterly], 5(2), pp. 104-128 [in Persian].
 - 33) Tousian, Elham, Pourghasab Amiri, Ali & Jahangiri, Alireza (1400 SH/2021). Mubārizah bā Faqr-e Kūdākān va Himāyathā-ye Iqtisādī az Ānān dar Fiqh va Kunvānsiyūn-e Huqūq-e Kūdāk [Combating Child Poverty and Economic Protections for Children in Jurisprudence and the Convention on the Rights of the Child]. Faslnameh Elmi Motaleat-e Feqh-e Eqtesadi [Economic Jurisprudence Studies Scientific Quarterly], 3(2), pp. 219-234 [in Persian].
 - 34) U.S. Department of Education. (2003). Individuals with Disabilities Education Act (IDEA). Washington DC: U.S. Government, Department of Education.
 - 35) UN Economic and Social Council Resolution 1985/17, 28 May 1985.
 - 36) UN General Assembly. (1989). Convention on the Rights of the Child. United Nations, Treaty Series, 1577(3), 1-23.
 - 37) UNICEF. (Ed.). (2005). The state of the world's children 2006: Excluded and invisible. UNICEF.